

نه آب، نه هوا



زینب مرزوقی خبرنگار گروه جامعه

آخرین بار تابستان ۱۴۰۰ بود که هورالعظیم با بحران آبی جدی مواجه شد و بومیان منطقه، به دلیل کم آبی و نرسیدن حقایه دست به اعتراض زدند. کم آبی هورالعظیم در آن سالل موجب ضرر مالی به گاومیش داران بومی و ساکن هورالعظیم و کار تا جایی پیش رفت که کمپین حمایت برای دادن حقایه هورالعظیم از مردم سراسر کشور شکل گرفت و با توجه به اذهان عمومی شکل گرفته؛ درنهایت بخش اندکی از حقایه واقعی، به هورالعظیم رسید تا کمی از تشنگی‌اش کاسته شود و دردی از مردم در آن خطه را دوا کند. هفته گذشته هفته ملی خوزستان نامگذاری شده بود و در بین تعارفات و گفتن از محیط زیست بکر خوزستان، کمتر کسی حواش به اهمیت هورالعظیم در میان تالاب‌های کشور بود. تالاب هورالعظیم از آخرین تالاب‌های بازمانده بین‌النهرین است و ۱۲۷ هزار هکتار از آن در مرزهای ایران و ۳۰۰ هزار هکتار دیگر در عراق قرار دارد. کم‌جان شدن و چندپاره شدن هورالعظیم از اواخر دهه ۸۰ و بسا فعالیت میداین نفتی در بخش جنوبی این تالاب آغاز شد. برای استخراج نفت در میداین نفتی یاران و آزادگان، بخش‌های وسیعی از هورالعظیم خشک و تبدیل به دکل‌های نفتی و جاده‌ها شد. از سوی دیگر به دلیل فعالیت شرکت‌های نفتی، نفت مانع ورود حقایه واقعی تالاب به بخش‌های عظیمی از تالاب شد و همین ماجرا باعث شد هورالعظیم به دو بخش شمالی و جنوبی تبدیل نشود. تصاویر ماهواره‌ای ثبت‌شده از هورالعظیم نشان می‌دهد در سال‌های اخیر بیش از ۶۰ درصد بخش ایرانی تالاب خشک شده است.

بخش شمالی هورالعظیم که در مجاورت با بخش عراقی یعنی هورالهوریه است، نسبت به بخش جنوبی اوضاع بهتری دارد و همچنان حیات وحش آن نسبتاً زنده است، اما اخیراً زم‌مه‌هایی مبنی بر آغاز فعالیت نفتی در بخش شمالی یا همان حوضچه شمالی هورالعظیم شنیده می‌شود. البته در این میان ناگفته نماند که در سال‌های اخیر به دلیل فعالیت‌های نفتی عراق، برخی از حیوانات بومی این تالاب مشترک به سمت تالاب هورالعظیم آمده‌اند و نشانه‌های حیات در برخی از بخش‌های هورالعظیم، بیشتر شده است. گزارش‌ها از هورالعظیم حاکی است که امسال با تنش آبی جدی مواجه خواهد شد و در هورالعظیم و تالاب شادگان، دمای این روزها تا ۵۰ درجه نیز رسیده و آب موجود در دو تالاب مهم خوزستان، به‌سرعت درحال تیخیر است.

تالاب هورالعظیم؛ مهم‌ترین تالاب ایران

محمد درویش، فعال محیط‌زیست معتقد است که وضعیت پنج تالاب اصلی خوزستان یعنی هورالعظیم، شادگان، بامدر، میان‌گران و شینبار در حال حاضر مطلوب نیست. درویش در گفت‌وگو با «فرهیختگان» گفت: «هورالعظیم، تنها حوضچه‌های ششماره یک و دو وضعیت نسبتاً مناسبی از لحاظ آبیگری دارند. مقدار محدودی نیز در حوضچه شماره سه آب باقی مانده، اما حوضچه‌های چهار و پنج عملاً خشک شده‌اند. در تالاب شادگان نیز حدود ۳۰ درصد تالاب خشک شده و تالاب میان‌گران تقریباً به‌طور کامل خشک شده است. وضعیت این تالاب‌ها به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با شرایط طبیعی و متعادلی که در گذشته وجود داشته نیست و اختلاف فاحشی وجود دارد. یکی از دلایلی که احتمال داده می‌شود امسال استان خوزستان افزایش دمای شدیدتری را تجربه می‌کند، همین خشک‌شدن تالاب‌هاست. خشک‌شدن تالاب‌ها منجر به نابودی پوشش گیاهی حاشیه‌ای از جمله نیزارها شده است و این باعث می‌شود که باد غالب غرب به شرق دیگر عملکرد طبیعی خود مانند یک خنک‌کننده (کولر طبیعی) را از دست بدهد. در نتیجه، ظرفیت کنترل گرمای ویژه منطقه کاهش یافته و توان زیست‌پذیری خوزستان به‌شدت افت کرده است.»

وی درباره شرایط تالاب هورالعظیم افزود: «تالاب هورالعظیم که یک‌سوم آن در خاک ایران و دوسوم در خاک عراق قرار دارد، طبق محاسبات رسمی سازمان حفاظت محیط‌زیست ۱٫۴ میلیارد مترمکعب حقایه در سمت ایرانی دارد و ۲٫۵ میلیارد مترمکعب در سمت عراقی. دولت عراق موفق شده بخش عراقی تالاب را در فهرست میراث طبیعی یونسکو ثبت کند، اما متأسفانه بخش ایرانی آن، به دلیل مخالفت وزارت نیرو، نه در یونسکو و نه حتی در کنوانسیون رامسر ثبت نشده است. علی‌رغم تلاش‌های پیوسته سازمان محیط‌زیست، این امر تاکنون محقق نشده است؛ موضوعی که بسیار عجیب و تأسف برانگیز است.»

درویش ادامه داد: «باید توجه داشت که هورالعظیم مهم‌ترین تالاب ایران است، بی هیچ تردیدی. اهمیت آن به حدی است که هیچ‌کدام از تالاب‌های دیگر ایران، حتی به گرد پای آن هم نمی‌رسند. رودخانه‌ای با آورد سالانه حدود ۶ میلیارد مترمکعب از سمت ایران و رود دجله با ۱۷ میلیارد مترمکعب و بخشی از فرات با حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب از سمت عراق در نهایت وارد این پهنه آبی می‌شدند. هیچ‌کدام از تالاب‌های خاورمیانه چنین حجم عظیمی از آب ورودی نداشته‌اند و می‌توان گفت این منطقه در گذشته، بهشتی واقعی بوده است.»

این فعال محیط‌زیست در ادامه گفت: «اگر بخواهیم مقایسه‌ای داشته باشیم، به‌عنوان مثال، آب ورودی رودخانه زاینده‌رود به گاوخونی در استان اصفهان در شرایط طبیعی حدود ۸۰ میلیون مترمکعب بوده و توانسته پهنه‌ای حدود ۷۵ هزار هکتار را شکل دهد. این در حالی است که عظمت هورالعظیم با ارقام و وسعتی چندین برابر بیشتر همراه است. حتی دریاچه ارومیه نیز در رویایی ترین وضعیت خود، تنها ۷ میلیارد مترمکعب آب قابل اتکا داشته است. باین‌وجود، تالاب هورالعظیم از سوی ایران در کنوانسیون رامسر ثبت نشده؛ کشوری که خود بنیان‌گذار این کنوانسیون بوده است. عجیب‌تر آنکه این ثبت حتی پیش از انقلاب هم انجام نشده و پس از انقلاب نیز پیگیری نشده است. اکنون که کشور عراق پیش‌قدم شده، بخش‌هایی از وزارت نیرو و حتی وزارت امور خارجه همچنان با ثبت بخش ایرانی تالاب در کنوانسیون رامسر مخالفت می‌کنند. دلیل اصلی مخالفت این است که می‌گویند با ثبت تالاب در این کنوانسیون، دست ما در فعالیت‌های داخلی بسته خواهد شد و دیگر نخواهیم توانست آزادانه در داخل تالاب جاده‌سازی، دیوارکشی، استخراج نفت و توسعه کشاورزی انجام دهیم. این در حالی است که همان فعالیت‌های آزاد، دقیقاً همین بالا را بر سر تالاب آورده‌اند. انکار برای برخی تصمیم‌گیرندگان، درک بدیهی ترین اصول اکولوژیکی سخت است؛ اینکه اگر این تالاب را از دست بدهیم، نه نفت می‌ماند، نه کشاورزی، نه زیست‌پذیری، و نه زندگی. در واقع خوزستان از دست خواهد رفت.»

تالاب نباشد، حتی نفت هم نیست

درویش درباره اهمیت حفظ هورالعظیم گفت: «تالاب باید حفظ شود تا مردم بتوانند در این منطقه زندگی کنند. واقعاً تأسسف‌آور است که هنوز برای بخش‌هایی از بدنه دولت باید مسائل بدیهی مانند تفاوت روز و شب را توضیح داد. واقعاً چگونه است که گروهی از دیوان‌سالاران قدرتمند در وزارت نیرو و وزارت خارجه با تمام‌قوا در برابر ثبت بین‌المللی این تالاب ایستادگی می‌کنند. درحالی‌که سازمان حفاظت محیط‌زیست تمام تلاش خود را برای ثبت آن به کار گرفته است؟ این مقاومت، اگر ادامه یابد، به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر برای خوزستان خواهد انجامید.» او همچنین درباره تالاب شادگان و بامدر افزود: «در مورد تالاب شادگان هم می‌تسیم که تنها آبی که واردش می‌شود، از سمت کشت و صنعت نیشکر است؛ نه آن آب باکیفیت رودخانه‌های مارون و کارون. بخش‌هایی از تالاب نیز در حال خشک‌شدن است. در همان منطقه، اکتشافات نفتی هم در حال انجام است. در مورد بامدر و میان‌گران هم وضعیت مشابهی وجود دارد؛ یعنی ما به دلیل توسعه کشاورزی، عملاً اجازه نمی‌دهیم که حقایه طبیعی این تالاب‌ها واردشان شود و این باعث شده که زندگی مردم منطقه به‌شدت با مشکل مواجه شود.»

درویش درباره سیاست‌گذاری‌های غلط در حوزه کشاورزی نیز عنوان کرد: «چه زمانی به این باور جمعی خواهیم رسید که توسعه کشاورزی، آن‌طور که تصور می‌شود، اهمیت حیاتی ندارد؟ اینکه حفظ تالاب‌ها و بومسازگان‌ها، بسیار مهم‌تر از این است که بتوانیم چند هکتار دیگر زیر کشت ببریم. چون اگر این اکوسیستم‌ها از بین بروند، نه‌تنها کشاورزی، بلکه خود زیست انسان هم زیر سؤال می‌رود. در بالادست استان خوزستان، متأسفانه همواره سدهای بیشتری احداث می‌شود و طرح‌های انتقال آب جدیدی در حال اجراست. این یعنی چشم‌انداز وضعیت آبی استان، روزبه‌روز تیره‌تر و تارتر می‌شود.»

یک سد دیگر بر یکی از سرشاخه‌های کارون

وی ادامه داد: «خود استان خوزستان هم کارنامه مثبتی در مدیریت منابع آبی‌اش ندارد؛ نرخ هدررفت آب در شبیه‌ها بسیار بالاست. حالا به این وضعیت، بارگذاری‌های سنگین در بالادست را هم اضافه کنید که بدون توقف ادامه دارند. در عین حال، هیچ ابتکاری هم جز توسعه کشاورزی به چشم نمی‌خورد. نمایندگان مجلس در کهگیلویه‌ویویراحمد، لرستان و دیگر استان‌های بالادست، همگی می‌گویند مردم ما حق دارند از این آب استفاده کنند و کشاورزی توسعه پیدا کند. گویی تمام هنر توسعه در کشور خلاصه شده در کشاورزی. از سوی دیگر، در اصفهان هم، یکی از سرشاخه‌های رودخانه ماربر که یکی از شاخه‌های اصلی رودخانه کارون است، قرار است با سد ماندگان تغییر مسیر پیدا کند؛ این یعنی یک ضربه دیگر به کارون و در نهایت به کل خوزستان وارد می‌شود.»

وی درباره مدیریت منابع آبی نیز گفت: «در حال حاضر، همه راه‌ها در کشور به حراج و فروش آب ختم می‌شود و نتیجه آن، تشدید بحران کم‌آبی است. این در حالی است که هنر واقعی آن است که بتوانیم کسب‌وکارهایی ایجاد کنیم که برای دوامشان به آب وابسته نباشند. طبق اصول علمی، ۴۰ درصد منابع آبی کشور باید به محیط زیست اختصاص پیدا کند، اما در زمانی که داریم با هم صحبت می‌کنیم، این سهم کمتر از دو درصد است. حتی همین دو درصد هم از دست رفته است. اگر بتوانند، اسم «محیط زیست» را هم در روی نقشه پاک می‌کنند.»

ثبت هورالعظیم در کنوانسیون رامسر مشروط به چیست؟

موسی مدحجی، رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره‌کل حفاظت محیط

زیست خوزستان نیز در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره وضعیت اخیر هورالعظیم گفت: «ما پیشنهاد ثبت تالاب هورالعظیم، در کنوانسیون رامسر را ارائه داده بودیم؛ با توجه به مرزی بودن این تالاب و حضور فعالیت‌های نفتی در آن، طبیعتاً این موضوع می‌بایست از طریق وزارت امور خارجه پیگیری می‌شد. این پیشنهاد از سوی ما در سال ۱۳۹۴ ارائه شد و تا سال ۱۳۹۸ ادامه داشت. در این بازه زمانی، جلسه‌ای در این خصوص تشکیل شد و به دنبال آن، جلسات دیگری نیز برگزار شد. مطابق روال، متولی اصلی این فرایند، معاونت رودخانه‌های مرزی وزارت نیرو است که دبیرخانه آن، مسئولیت انجام مکاتبات مرتبط را بر عهده دارد. در آخرین مکاتبه‌ای که صورت گرفته، اعلام شده است برای ادامه روند، بخش محیط زیست وزارت امور خارجه و وزارت نیرو باید رضایت رسمی خود را اعلام کنند. با این حال، این دو نهاد هنوز نظرات و دغدغه‌هایی دارند که تاکنون اعمال نشده‌اند.»

مدحجی ادامه داد: «برخی از این نگرانی‌ها از دید ما بی‌مورد است، چراکه کشور عراق در سال ۲۰۰۶ میلادی، بخش عراقی این تالاب را با عنوان هور الهویزه شناخته می‌شود را در کنوانسیون رامسر به ثبت رسانده است. نگرانی اصلی وزارت نیرو این است که چون رودخانه کرخه مرزی نیست، در صورت ثبت این تالاب، کشور عراق ممکن است مطالبه حقایه از رودخانه کرخه یا تقاضای برداشت مازاد آب را مطرح کند. این موضوع همچنان محل بحث است. با این حال، مقرر شده که در آینده‌ای نزدیک، بار دیگر جلسه‌ای با حضور نهادهای ذی‌ربط تشکیل شود تا نظرات و استدلال‌های جدید اخذ شده و این روند به شکل مناسبی تکمیل و پیگیری شود.»

تنش آبی جدی دراه خوزستان است

وی درباره آخرین وضعیت دو تالاب هورالعظیم و شسادگان نیز عنوان کرد: «بر اساس آخرین آمارهای موجود؛ در شش ماهه نخست سال آبی جاری، تالاب هورالعظیم به میزان ۵۹ درصد آبیگری شده و تالاب شادگان نیز حدود ۸۲ درصد آبیگری داشته است. با این حال، حوضه‌های آبریز کرخه و مارون در حال حاضر با تنش شدید خشکسالی مواجه‌اند. گرچه کل حوضه آبی خوزستان با چالش کم‌آبی روبه‌روست، اما این دو حوضه شرایط وخیم‌تری دارند. انتظار ما این است که با توجه به شدت تبخیر بالا و افزایش بی‌سابقه دما در سال جاری، که در جلسات مشترک با وزارت نیرو و سازمان آب و برق خوزستان نیز مورد بررسی قرار گرفت، برنامه‌ریزی‌ها با محوریت سند سازگاری با کم‌آبی پیش برود.»

مدحجی عنوان کرد: «در همین چهارچوب، کمیته مدیریت خشکسالی تشکیل شده و وظایف دستگه‌های اجرایی ذی‌ربط مشخص گردیده است. برای نمونه، کشت‌های پر مصرف مانند شلوک در حوضه‌های آبریز ممنوع شده و الگوی کشت اصلاحی با تأکید بر محصولات کم‌مصرف پیش‌بینی شده است. همچنین، برنامه اصلاح مصرف آب نیز تدوین شده است. دما در سال جاری، که در جلسات مشترک با وزارت نیرو و سازمان آب و برق خوزستان نیز مورد بررسی قرار گرفت، برنامه‌ریزی‌ها با محوریت سند سازگاری با کم‌آبی پیش برود.»

مدحجی مدحجی عنوان کرد: «در همین چهارچوب، کمیته مدیریت خشکسالی تشکیل شده و وظایف دستگه‌های اجرایی ذی‌ربط مشخص گردیده است. برای نمونه، کشت‌های پر مصرف مانند شلوک در حوضه‌های آبریز ممنوع شده و الگوی کشت اصلاحی با تأکید بر محصولات کم‌مصرف پیش‌بینی شده است. همچنین، برنامه اصلاح مصرف آب نیز تدوین شده است. امیدواریم که این اقدامات به نتیجه مطلوب برسند. با این حال، در صورتی که تحقق این موارد میسر نباشد، راهکار جایگزین، رهاسازی موجی آب از سد کرخه خواهد بود تا امکان تأمین آب برای تالاب‌ها فراهم شود.» رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره‌کل حفاظت محیط زیست خوزستان توضیح داد: «براساس اظهارات سازمان آب و برق خوزستان، شدت تنش آبی در سال جاری از سال ۱۴۰۰ نیز فراتر رفته و در سطحی نزدیک به خشکسالی سال ۱۳۸۷ قرار دارد. این مسئله نشان می‌دهد که شرایط بحرانی منابع آبی در منطقه تداوم دارد. در حال حاضر نیز میزان آب در این دو تالاب با شدت بالایی در حال تبخیر است؛ به‌طوری‌که بر اساس تصاویر ماهواره‌ای که در یک ماه اخیر (دربیششت‌ماه) رصد شده‌اند، میزان تبخیر به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. دلیل اصلی این افزایش تبخیر، ثبت دماهایی بالای ۵۰ درجه سانتی گراد در این ماه است که کم‌سابقه محسوب می‌شود.» وی ادامه داد: «در چنین شرایطی، برخی نهادها از موضوع تأمین آب برای تالاب‌ها کنتر کشیده‌اند، در حالی‌که مسئولیت اصلی این امر با وزارت نیروست. در این میان، موضوع فعالیت‌های نفتی نیز مطرح است. ما در تعامل با شرکت ملی نفت ایران و شرکت نفت، دو مطالبه اصلی را مطرح کرده‌ایم؛ نخست، انجام مطالعات ارزیابی استراتژیک، دوم، تدوین شرح خدمات مطالعات طرح جامع حفاظت و احیای تالاب هورالعظیم. این دو مطالبه هر کدام شامل بخش‌هایی مجزا و تخصصی هستند. مطالعات ارزیابی استراتژیک (SEA) گستره‌ای فراتر از ارزیابی اثرات زیست‌محیطی دارند و شامل ارزیابی توان اکولوژیک، تعیین ظرفیت برد و بررسی اثرات تجمعی میداین نفتی (درون و بیرون تالاب، تأثیر بر مردم، معیشت آن‌ها و خدمات اکوسیستمی) می‌شوند. در مطالعات طرح جامع حفاظت و احیای تالاب نیز، باید ارزیابی دقیقی از خسارات ناشی از فعالیت‌های نفتی در بیست و چند سال گذشته صورت گیرد. بخشی از این خسارات پیش‌تر توسط ما محاسبه و به معاونت حقوقی ریاست جمهوری ارائه شده است. اما در قالب مطالعه جامع، این خسارات باید به‌صورت دقیق مستندسازی و تحلیل شوند تا در ادامه، بر اساس میزان خسارت‌ها و آسیب‌های وارده، طرح‌هایی عملیاتی جهت جبران و کاهش اثرات تدوین و اجرا شود. این

اقدامات از یک‌سو باید ناظر به پیامدهای گذشته باشند و از سوی دیگر، پیش‌بینی‌هایی برای جلوگیری از تکرار آسیب‌ها در آینده ارائه دهند.»

وزارت نفت مدعی است

در خشک شدن هورالعظیم کل اداره‌کل حفاظت محیط زیست خوزستان

رئیس اداره احیای تالاب‌های اداره‌کل حفاظت محیط زیست خوزستان عنوان کرد: «یکی از ایرادات اصلی که در این مسیر وجود دارد، این است که شرکت ملی نفت یا وزارت نفت همواره از بذیرش مسئولیت شانه خالی کرده و مدعی‌اند اگر تالاب خشک شده، مسئولیت آن برعهده وزارت نیروست. در حالی‌که این ادعا نادیده‌گرفتن تأثیر مستقیم فعالیت‌های نفتی بر سیستم هیدرولوژیکی تالاب است. احداث چاه‌ها و جاده‌ها توسط شرکت نفت، حتی اگر برخی مربوط به زمان جنگ باشند، باعث اختلال جدی در جریان طبیعی آب شده‌اند. این مسیرهای احداث‌شده، اکنون همچون موانع هیدرولوژیکی عمل می‌کنند.»

وی در مثالی، فعالیت نفت در هورالعظیم را اینطور تشریح کرد: «فرض کنید یک مترمکعب آب را بخواهیم در محوطه‌ای یک‌هکتاری پخش کنیم. اگر این حجم آب فقط در یک نقطه متمرکز شود، همان نقطه مرطوب مانده و پوشش گیاهی و پرندگان در آن قسمت متمرکز می‌شوند، در حالی‌که سایر نواحی خشک باقی می‌مانند. اما اگر همان مقدار آب به صورت یکنواخت توزیع شود، کل سطح به اندازه‌ای برابر، مثلاً دو سانتی متر، مرطوب می‌شود و پوشش گیاهی یکنواختی ایجاد می‌گردد؛ این یعنی حفظ توازن اکولوژیکی.» وی ادامه داد: «ما طبق آیین‌نامه قانون حفاظت از تالاب‌ها و ماده یک قانون مذکور اقدام کردیم. بر اساس این ماده، هرگونه اقدامی که منجر به تخریب یا آلودگی تالاب نشود، ممنوع است. این قانون، آیین‌نامه‌ای دارد که مشابه ضوابط خسارت‌های پیش‌بینی‌شده در برنامه‌های توسعه سوم و چهارم کشور است؛ به‌گونه‌ای که در آن، فرمول‌هایی برای محاسبه خسارات وجود دارد و در این فرمول‌ها ضریب ریالی برای انواع فعالیت‌ها در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، هر فعالیتی که مغایر با ضوابط تعریف‌شده باشد، قابل محاسبه و پیگیری است. ما، با استناد به همین آیین‌نامه، مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را مستند کرده و برای دفتر حفاظت تالاب‌های سازمان حفاظت محیط‌زیست و معاونت مربوطه ارسال کردیم. آن‌ها نیز اطلاعات را در فرمول‌های مربوطه قرار داده و در نهایت به نتایجی عددی رسیدند. این نتایج برای هر یک از میداین نفتی فعال در محدوده تالاب به‌صورت جداگانه محاسبه شده است.» مدحجی درباره نتیجه محاسبه خسارت میداین نفتی گفت: «تاکنون، فکر می‌کنم سه نوبت مکاتبه با معاونت حقوقی ریاست جمهوری انجام شده و نتایج به آن معاونت منعکس شده‌اند، ولی هنوز پاسخی از سوی ایشان برای ما ارسال نشده است. این در حالی است که ضروری است مراجع ذی‌ربط، دستگه‌های مسئول را ملزم به پاسخ‌گویی و اقدام کنند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه ارزش‌گذاری اقتصادی تالاب‌های خوزستان نیز انجام شده، ما در این زمینه نیز درخواست دادیم که خسارات احتمالی آینده نیز بر اساس همین ارزش‌گذاری محاسبه شود. این ارزش‌گذاری، بخش‌های مختلف تالاب را از منظر خدمات مستقیم و غیر مستقیم اقتصادی مورد سنجش قرار داده است، بنابراین آسیب‌هایی که در آینده ممکن است وارد شود نیز باید بر مبنای همین شاخص‌ها محاسبه شده و توسط وزارت نفت جبران گردد. در این میان، هزینه‌کردهای شرکت ملی نفت ایران در قالب مسئولیت‌های اجتماعی نیز مورد نقد قرار گرفته است، زیرا این هزینه‌ها عمدتاً غیرپهنه بوده و گرچه به‌ظاهر در پروژه‌هایی اجرایی صرف شده‌اند، اما لغ مغایر با آیین تالاب نداشته‌اند.»

وی همچنین عنوان کرد: «توافق شد که وزارت نفت هزینه‌کرد خود را هدفمند

کند. در چند ماه گذشته، قراردادی میان وزارت نفت و دانشگاه‌های معتبر

کشور از جمله دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه

ایلام و دانشگاه خوزستان (با توجه به فراگیری میداین نفتی در موقعیت‌های

مشترک) منعقد شده است. بخشی از این مطالعه، توسط دانشکده علوم

محیطی دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است. هدف از این همکاری،

اجرای طرحی مشابه طرح جامع احیای تالاب است. در وهله نخست،

آسیب‌ها باید شناسایی شوند؛ چه آسیب‌هایی به خود تالاب، چه به جوامع

محلی و حتی به ذی‌نفعان بهره‌بردار از تالاب وارد شده است. بر اساس همین

شناخت، برنامه‌ای برای جبران و کاهش این آسیب‌ها تدوین می‌شود. این

برنامه، به‌عنوان تکمیل‌کننده طرح جامع احیای تالاب عمل خواهد کرد. پس

از اتمام هر حله مطالعات، طبیعتاً این پروژه نیاز به تخصیص بودجه و اجرای

عملیاتی خواهد داشت. مطالعه مذکور کمک می‌کند تا مشخص شود برای هر

پروژه، چه نوع هزینه‌کردی باید انجام شود. برای مثال، برخی پروژه‌ها دارای

اثر مستقیمند، مانند احیای پوشش گیاهی تالاب که در افزایش بهره‌وری سال

آبی مؤثر است. برخی دیگر اثر غیر مستقیم دارند، مانند احداث یا بهینه‌سازی

تصفیه‌خانه‌های فاضلاب در شهرها و روستاهای اطراف تالاب، که باعث

جلوگیری از ورود آلاینده‌ها به تالاب می‌شود. این پروژه، از حدود دو ماه

پیش آغاز شده و هم‌اکنون در دست اجراست. ضرورت دارد که این روند با

دقت ادامه پیدا کند تا بتوان گام‌هایی عملی و اثربخش در راستای حفاظت،

احیا و مدیریت پایدار تالاب برداشت.»

